

	درس پنجم: دماوندیه
	معنی
۱	از سر بکش آن سپید معجر بنشین به یکی کبود اورند : آن روسری سپید (برف) را از روی سرت بردار و فرّ و شکوه خود را نشان بده
۲	از سیم به سر یکی کله خود ز آهن به میان یکی کمر بند روی قله ات برف است و دامنه کوه (صفره ها) مثل کمر بند تیره رنگ است که به کمر بسته ای.
۳	بنشین به یکی کبود اورند : بر تفت قدرت بنشین. (فرّ و شکوه خود را نشان بده)
۴	تو قلب فسرده زمینی از درد ، ورم نموده یک چند ای دماوند تو قلب منهدم زمین هستی که از شدت درد ورم کرده ای .
۵	بگرای چو ازدهای گرزه بخروش چو شرزه شیر ارغند مانند ازدهای (مار) زهر آلود عمله ور شو و مانند شیر فشملکین و قور آلود بانگ و خروش بر آور
۶	ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند

	ای دماوند که همانند دیو سفید گرفتار هستی و مانند آسمان ، بلند و استوار ایستاره ای .....
۷	تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر ، چهر دل‌بند په‌ره ات را ، در میان ابرها پنهان کرده ای تا انسانها په‌ره ات را نبینند
۸	با شیر سپهر بسته پیمان با اختر سعد کرده پیوند با فورشید هم پیمان شده و با مشتری پیوند بسته ای . ( با فورشید و مشتری هم نشین شده ای )
۹	تا درد و ورم فرو نشیند کافور بر آن ضماد کردند برای کاهش درد و ورم مرهمی از برف (کافور) بر روی آن گذاشته اند.
۱۰	تو مشت درشت روزگاری از گردش قرن ها پس افکند ای دماوند تو مشت سنگین مردم زمانه هستی که بر اثر گذشت روزگاران به جای مانده ای (به ما ارث رسیده ای)
	درک مطلب و خودآزمایی
۱	با توجه به ابیات زیر به سؤالات داده شده پاسخ دهید: ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند تا واره‌ی از دم ستوران وین مردم نحس دیو مانند با شیر سپهر بسته پیمان با اختر سعد کرده پیوند تو مشت درشت روزگاری از گردش قرن ها پس افکند. الف. مقصود شاعر از « دماوند » چیست؟ مردم ب. در بیت سوم به کدام صفت کوه دماوند اشاره شده است؟ بلندی پ. منظور از « ستوران » چیست؟ انسان های نادان ( فرومایه ) ت. ترکیب « پس افکند » در بیت آخر ، به چه معناست؟ میراث
۲	دلیل عمده شهرت « محمد تقی بهار » به سرودن کدام قالب شعری است؟ قصیده
۳	با توجه به بیت « تا درد و ورم فرو نشیند / کافور بر آن ضماد کردند » به سؤالات زیر پاسخ دهید: الف. « ورم » و « کافور » به ترتیب استعاره از چیست؟ قلّه ( بر آمدگی کوه ) ، برف ب. واژگان « درد ، ورم ، کافور و ضماد » کدام آرایه را به وجود آورده است؟ مراعات نظیر
۴	شاعر در بیت « پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان ، شنو یکی پند » مخاطب خود را به چه امری دعوت می کند؟ اعتراض ( اظهار نارضایتی و خشم )
۵	مفهوم کنایی به کار رفته در مصراع دوم بیت « از سر بکش آن سپید معجز / بنشین به یکی کبود اورند » چیست؟ قدرت و توانایی را در دست بگیر
۶	در بیت « تو قلب فسرده ی زمینی / از درد ورم نموده یک چند » ، « قلب فسرده » کدام پایه از تشبیه است؟ مشبه به
۷	در بیت « ای مادر سر سپید بشنو / این پند سیاه بخت فرزند » منظور از « مادر سر سپید » و « سیاه بخت فرزند » چیست؟ کوه دماوند. خود شاعر ( ملک الشعرای بهار )
۸	با توجه به ابیات زیر به سؤالات داده شده پاسخ دهید: از سر بکش آن سپید معجز بنشین به یکی کبود اورند تو مشت درشت روزگاری از گردش قرن ها پس افکند زین بی خردان سفله بستان داد دل مردم خردمند الف. در بیت اول مقصود شاعر از « سپید معجز » چیست؟ برف نوک قلّه ب. در کدام بیت تشبیه دیده می شود؟ بیت دوم

	پ. در بیت سوم منظور از « بی خردان سفله» چه کسانی هستند؟ <b>حاکمان نادان</b>
۹	بیت « تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر ، چهر دلیند» به کدام صفت کوه دماوند اشاره دارد؟ <b>ارتفاع (بلندی)</b>
۱۰	شعر « دماوندیه» ملک الشعراى بهار ، در چه قالبی سروده شده است؟ <b>قصیده</b>
۱۱	با توجه به ابیات زیر به پرسش ها پاسخ دهید: تا چشم بشر نبیندت روی      بنهفته به ابر ، چهر دلیند تا و ارهی از دم ستوران      وین مردم نحس دیو مانند با شیر سپهر بسته پیمان      با اختر سعد کرده پیمان الف. شاعر چه دلیلی برای پنهان کردن چهره ی دماوند آورده است؟ <b>رهایى از دست مردمان بد روزگار. (حسن تعلیل)</b> ب. « شیر سپهر» در بیت آخر اشاره به چیست؟ <b>آفتاب</b> ج. نقش دستوری ضمیر «ت» در مصراع اول چیست؟ <b>مضاف الیه</b>
۱۲	در بیت «بگرای چو ازدهای گرز/ بخروش چو شرزه شیر ارغند»، « بگرای» چه نوع فعلی است؟ « <b>الف</b> » الف. فعل امر.      ب. مضارع التزامی.      ج. ماضی التزامی.      د. مضارع اخباری.
۱۳	در بیت « تا درد و ورم فرو نشیند / کافور بر آن ضماد کردند» منظور از « کافور» چیست؟ <b>یوف</b>
۱۴	ابیات زیر را بخوانید و به پرسش ها پاسخ دهید: « از سیم به سر یکی کله خود ز آهن به میان یکی کمر بند تا چشم بشر نبیندت روی      بنهفته به ابر چهره دل بند» الف) منظور شاعر از « کله خود سیمین» و « کمر بند آهنین» چیست؟ <b>برف روی کوه - تیرگی میانه ی کوه</b> ب) شاعر در بیت دوم، به کدام صفت کوه دماوند اشاره می کند؟ <b>بلندی و ارتفاع</b>
۱۵	در شعر زیر ، مفهوم قسمت های مشخص شده را بنویسید: « تا درد و ورم فرو نشیند      کافور بر آن ضماد کردند.» <b>برآمدگی قلّه ی کوه      مرهم نهادن ( بستن چیزی بر زخم)</b>
۱۶	زین بی خردان <u>سفله</u> بستان. <b>پست ، فرومایه.</b>
۱۷	تو قلب فسرده ی زمینی      از درد ورم نموده یک چند. <b>ای دماوند تو قلب یخ زده ی زمین هستی که از شدت درد ، ورم نموده ای.</b>
۱۸	در بیت زیر منظور از « شیر سپهر» و « اختر سعد» چیست؟ با شیر سپهر بسته پیمان      با اختر سعد کرده پیوند <b>(آفتاب به اعتبار آن که برج اسدخانه ی اوست)</b> مشتری است که «سعد اکبر» است.
۱۹	منظور از مصراع دوم چیست؟ تو مشت درشت روزگاری      از گردش قرن ها پس افکند قدمت کوه دماوند